مردم - یا فرمود: بندگان - در روز قیامت برهنه، ختنه نشده و درحالی حشر می شوند که هیچ چیزی همراه آنها نیست.

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که می گوید: به من خبر رسید که مردی حدیثی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم می داند (که من نمی دانستم)، پس شتری خریده، بار سفر بر آن بستم و مسافت یک ماه را طی نمودم تا در شام به او رسیدم. او عبدالله بن اُنیس بود. (به در خانه او رفتم و) به دربان گفتم: به عبدالله بگو: جابر پشت در است. گفت: جابر بن عبدالله؟ گفتم: بله. وی درحالی که لباسش را مرتب می نمود، از خانه خارج شد و یکدیگر را در آغوش گرفتیم. من گفتم: به من خبر رسیده که شما در رابطه با قصاص حدیثی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده اید، ترسیدم که پیش از شنیدن آن، یکی از ما دو نفر بمیرد. وی گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - أَوْ قَالَ الْعِبَادُ - عُرَاةً غُرْلًا بُهْمًا»: «مردم - یا فرمود: بندگان - در روز قیامت برهنه، ختنه نشده و درحالی حشر می شوند که هیچ چیزی همراه آنها نیست». می گوید: گفتیم: "بهم" چیست؟ فرمود: «لَيْسَ مَعَهُمْ شَيْءٌ، ثُمَّ يُنَادِيهِمْ بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ مَنْ بَعُدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قَرُبَ: أَنَا الْمَلِكُ، أَنَا الدَّيَّانُ، وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ أَنْ يَدْخُلَ النَّارَ وَلَهُ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَقٌّ، حَتَّى أَقُصَّهُ مِنْهُ، وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ، وَلِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ عِنْدَهُ حَقٌّ، حَتَّى أَقُصَّهُ مِنْهُ، حَتَّى اللَّطْمَةُ»: «همراه آنها هیچ چیزی نیست؛ سپس الله متعال آنها را چنان ندا می دهد که آنکه دور است همچون آنکه نزدیک است می شنود: من پادشاه هستم، من دیان هستم؛ هیچ جهنمی حق ورود به جهنم ندارد، درحالی که یکی از بهشتیان حقی نزد او دارد، تا اینکه آن حق را از آن جهنمی بگیرم. و هیچ بهشتی حق ورود به بهشت ندارد، درحالی که یک از جهنمیان بر او حقی دارد، تا اینکه حق آن جهنمی را بگیرم، حتی اگر یک سیلی باشد». می گوید: گفتیم: چگونه چنین چیزی ممکن است درحالی که ما برهنه، ختنه نشده و بدون هیچ چیزی نزد الله حاضر می شویم؟ فرمود: «بِالحَسَنَات والسيِّئَات»: «با نیکی ها و گناهان».

[حسن است] [به روایت احمد]

جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنهما خبر می دهد که چون متوجه می شود عبدالله بن انیس حدیثی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که ایشان از آن اطلاع ندارد، شتری تهیه نموده و بار سفر بر آن می بندد و مسافت یک ماه را طی می کند تا اینکه به شام و نزد عبدالله بن انیس می رسد؛ آنگاه به دربان می گوید: به عبدالله بگو جابر بیرونِ در است. و عبدالله بن انیس می گوید: جابر بن عبدالله؟ جابر می گوید: بله. وی به سرعت و درحالی که لباس های خود را مرتب می نمود، نزد جابر می رود و یکدیگر را در آغوش می گیرند و جابر به او می گوید: به من خبر رسیده که از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیثی در خصوص قصاص شنیده ای؟ ترسیدم پیش از شنیدن آن، یکی از ما دو نفر بمیرد. و عبدالله می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «مردم در روز قیامت برهنه، ختنه نشده و درحالی حشر می شوند که هیچ چیزی همراه آنها نیست». عبدالله بن انیس می گوید: گفتیم: "بهم" چیست؟ فرمود: «هیچ چیزی همراه آنها نیست». یعنی: الله متعال در قیامت مردم را برای محاسبه در مکانی گرد می آورد و آنها را در برابر اعمال شان جزا می دهد؛ آنها در آن مکان و در آن حالت، برهنه و ختنه نشده هستند، درست همچون زمانی که مادران شان آنها را به دنیا آوردند و هیچ چیزی از دنیا همراه شان نیست. سپس فرمود: "ثُمَّ يُنَادِيهِمْ بِصَوْتٍ"؛ پس ندا لاجرم همراه با صوت است و مردم هیچ ندای بی صوتی نمی شناسند و در اینجا صوت را برای تاکید ندا ذکر می کند. این عبارت در نهایت وضوح و روشنی بیان می دارد که الله متعال سخن می گوید، آن هم با کلامی که شنیده می شود؛ و الله صوت دارد، اما صوت او تعالی شبیه صوت مخلوقات نیست؛ و از همین روست که می فرماید: «يَسْمَعُهُ مَنْ بَعُدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قَرُبَ»: «آنکه دور است همچون آنکه نزدیک است می شنود». و این صفت مخصوص صوت الله متعال است؛ اما صدای مخلوقات بگونه ای است که فقط افراد نزدیک آن را می شنوند و از قوت و ضعف برخوردار است. برای اثبات اینکه الله متعال صوت

دارد و تکلم می کند، نصوص زیادی وارد شده است، از جمله اینکه می فرماید: «وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا» [اعراف: 22] «و پروردگارشان [اینچنین] به آنها ندا داد: آیا شما را از [خوردنِ میو] آن درخت منع نکردم». و در جایی دیگر می فرماید: «وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيّاً» [مریم: 52] «و [ما] او را از سَمت راستِ [کوه] طور ندا دادیم و او را مناجات کنان [به خویش] نزدیک ساختیم». و نیز می فرماید: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» [شعراء: 10] « و [یاد کن از] هنگامی که پروردگارت موسی را ندا داد که: به سوی قوم ستمکار برو». سپس الله متعال می فرماید: "من پادشاهم، من دیانم"؛ یعنی: ندایی که مردم در آن سرزمین همگی می شنوند و آنکه دور است آن را مانند کسی که نزدیک است می شنود، این است که: «من پادشاهم، من دیانم ...» الله متعال پادشاهی است که فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه در آنها است، در دست اوست؛ و او تعالی دیان است و بندگانش را بر اساس اعمال شان جزا می دهد؛ هرکس کار نیک کرده باشد پاداشی بیش از عملش به او می دهد و هرکس کار بد کرده باشد، او را چنانکه مستحق آن می باشد، مجازات می نماید. سپس الله متعال می فرماید: "هیچ جهنمی حق ورود به جهنم ندارد، درحالی که یکی از بهشتیان حقی نزد او دارد، تا اینکه آن حق را از آن جهنمی بگیرم. و هیچ بهشتی حق ورود به بهشت ندارد، درحالی که یک از جهنمیان بر او حقی دارد، تا اینکه حق آن جهنمی را بگیرم، حتی اگر یک سیلی باشد"؛ یعنی: الله متعال در میان بندگانش عادلانه حکم نموده و قضاوت می کند و حق مظلوم را از ظالم می گیرد چنانکه هیچ جهنمی که فردی بهشتی حقی بر عهده او دارد، وارد جهنم نمی شود، تا اینکه به فرد بهشتی این امکان داده می شود تا حقش را از او بگیرد. و این نشان دهنده تمامیت و کمال عدالت الله متعال است. و با اینکه کافر و ظالم وارد جهنم خواهند شد، اما هرگز به آنها ظلم نخواهد شد و اگر بر عهده فردی بهشتی حقی داشته باشند، حق ایشان از آن بهشتی گرفته خواهد شد. در مورد اهل بهشت نیز همین گونه است. این بود که اصحاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند: چطور حق و حقوق مردم از یکدیگر گرفته می شود درحالی که چیزی از دنیا در اختیار ندارند؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «با نیکی ها و گناهان»؛ یعنی: فرد مظلوم نیکی های فرد ظالم را می گیرد و چون نیکی های ظالم تمام شود، از گناهان مظلوم برداشته شده و بر گناهان ظالم افزوده می شود سپس به آتش انداخته می شود. چنانکه در حدیث آمده است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8319